

و در بار پشت خود نهاد و پل ساخت تا همه مسلمانان بجهتی در
آمدند و چون فارغ شد در را بیداشت ابو رافع رضی الله عنه
کوید ما بخت بر در قیام تا در را منقلب کردیم نتوانستیم **و از آنکه**
آنت که در آن غزه را از بود کوفتی بزمهر لوده بریان
کرد و در ذراع و کنت آن زهر بیشتر کرد که دانسته بود که رسول
صلی الله علیه و آله از دوستی دارد و پیش رسول صلی الله علیه و آله
آورد و از آن تناول کرد و ذراع آن باوی در سخی آمد و کنت یا رسول
الله من زهر لوده ام پاره در دمان داشت و میخاید بیداشت
و بشرف الهی که از آن چیزی نخورد و **و از آنکه آنت** که در آن
وقت که بعضی از حصون خیمه را محاصره داشتند شبانی سیاه پیش رسول
صلی الله علیه و آله و باوی رفت که کوفتی و کنت ای محمد اسلام
بر من عرض کن رسول صلی الله علیه و آله و سلم اسلام بروی عرض کرد چون
اسلام آورد کنت یا رسول الله میز زور صاحب این مردم و این
اناست پیش من با آن چه کنت بزنی بر رویهای ایشان که بخداوند
خود باز خواهند گشت آن سیاه شش سنگ ریزه بر گرفت و در روی
آن کوفتند از زد و کنت بخداوند خود باز کردید که نزد دیگر با شما
نبی باشیم آن کوفتند فراموش آمدند و روی بجهت آنها پیش
کوفی کسی ایشان را ندانند تا که در آمدند پس آن سیاه پیش رفت
و با اهل حصار عتقا مشغول شد کسی بروی آمد و شهید شد و پرا

در شعله

در شعله پدید آوردند و در پیش پشت رسول صلی الله علیه و آله نهادند
بسوی ایشان فرمود بعد از آن روی بر تافت صحاب گفته با رسول
الله چرا روی بر تافتی از وی کنت زیرا که اکنون دوزخ و جهنم از هر
العیین باوی اند **و از آنکه آنت** که اسما بنت عمیس گفته است که
در صیحه خیمه بودم که هر بار که رسول صلی الله علیه و آله بر کن رسول صلی
الله علیه و آله و وحی نازل شد و آفتاب غروب کرد و عارضی الله عنده نماز عصر
نگذارد بود چون وحی میخاید رسول صلی الله علیه و آله دعا کرد که الهی
اگر در طاعت و رسول تو بود آفتاب را باز گردان اسما بنت عمیس گفت
بعد از آن که آفتاب غروب کرده بود دیدم که باز طلوع کرد و بر کوه
و زمین افتاد و طحاوی گفته است که این حدیث صحیح است و راویان آن
ثقات اند و از احمد بن صالح حکایت کرده که کنت اهل خیمه را سزاوار
نیست که از حفظ این حدیث تکلف کنند که از علامات نبوت است
و از آنکه آنت که هم در سال ستم حکم بن خضار عام اشجعی را بعد
از آن که اسلام آورده بود بگشت رسول صلی الله علیه و آله و سلم حکم را قصاب
کرد که مردم مسلمان را چراگشتی حکم کنت یا رسول الله علیه و آله گفتی وی از
جنت فرار از موت بود رسول صلی الله علیه و آله فرمود که تو دل او را
بشکافتی تا بدانی که او چه خواهد بود زبان ترجمان دست بعد از آن
رسول صلی الله علیه و آله بر حکم دعای بد کرد حکم بعد از هفتاد و چون
پرا و فرمودند زمین ویران و چون انداخت و حال برین گونه بود تا پنج